

## پیشگویی درباره پیروزی انقلاب اسلامی

دکتر سید صادق حقیقت

ss.haghighat@gmail.com

هادی بیات

bayathadi400@gmail.com

### چکیده

یکی از ابعاد تحلیل پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ارتباط آن با مسائل ماورایی و پیشگویی‌ها- بالاخص در مورد رهبری امام خمینی- است. بر اساس این فرض که مسائل اجتماعی، مانند انقلاب‌ها، می‌توانند با امور غیبی مرتبط باشند، تعاملات انسان‌ها لزوماً مبتنی بر محاسبات عقلانی مصطلح نیست؛ بلکه اعتقادات دینی، باورهای مذهبی و حتی زمینه‌های فرهنگی می‌تواند زمینه مناسبی برای پذیرش ادعاهای متافیزیکی فراهم کند. از جمله این باورها اعتقاد به این مطلب است که عده‌ای از انسان‌های خاص هستند که به دلیل عنایات خداوند و برخی ریاضت و سیر و سلوک عرفانی، توانایی پیشگویی آینده را دارند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که برخی از این افراد با بیان پاره‌ای از پیشگویی‌ها توانسته‌اند بخشی از باورهای اجتماع را با خود همراه کنند و با فراهم آوردن پذیرش رهبری امام خمینی در زمینه پیروزی انقلاب اثرگذار شوند. محدوده این پژوهش از سال ۱۳۳۰ تا وفات امام خمینی را در برمی‌گیرد و روش آن اسنادی و مبتنی بر مصاحبه‌ها و گفتگوهایی است که در این زمینه صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: امام خمینی، پیشگویی، انقلاب اسلامی، غیب.

## مقدمه

بنیان‌گذاران انقلاب اسلامی ایران و انقلابیون بعدی همواره انقلاب اسلامی را تحقق خواست و وعده الهی خوانده<sup>۱</sup> و آن را مستظهر به پشتیبانی نیروهای غیبی دانسته‌اند تا جایی که امدادهای الهی همواره پشتیبان این انقلاب بوده است.<sup>۲</sup> این امدادها از مهم‌ترین منابع مشروعیت برای انقلاب و نظام اسلامی برآمده از آن محسوب می‌شود و به همین دلیل بارها و به دلایل مختلف بر آن‌ها تأکید شده است. البته، در اوان پیروزی انقلاب این باور که انقلاب و امام در جایی فراتر از وضعیت معمول عالم قرار گرفته‌اند، به شکل باور عمومی درآمده بود که نمونه‌اش دیدن عکس امام در ماه در همان روزهای ابتدایی انقلاب است.<sup>۳</sup> از مواردی که بارها مورد تأکید طرفداران نظام اسلامی قرار گرفته، پیشگویی پیروزی انقلاب و رهبری امام خمینی است. این پیشگوها به طور عمدۀ چهره‌های موجه به لحاظ علم، تقوا و عرفان هستند. موارد زیادی از این پیشگویی‌ها در تاریخ انقلاب ثبت گردیده است. هدف اصلی این نوشتار پاسخ دادن به پرسش‌هایی از این قبیل است که آیا این پیشگویی‌ها بر مشروعیت نظام جمهوری اسلامی تأثیر داشته است؟ و اگر داشته به چه میزان بوده است؟ البته پاسخ این پرسش‌ها قطعی نخواهد بود و با توجه به بضاعت نویسندگان و اطلاعاتی خواهد بود که به دست آورده‌اند و ممکن است بعدها با یافتن اطلاعات تازه و هم‌چنین امکان نظرسنجی‌های وسیع پاسخ دقیق‌تری به آن داده شود. در راستای یافتن پاسخ پرسش اصلی، پس از راستی‌آزمایی پیشگویی‌ها، میزان و گستره تأثیر ناقلان و پیشگویان نیز بررسی خواهد شد. سطح این تحقیق توصیفی-تحلیلی است و با بررسی منابع موجود و در دسترس سعی دارد به روش تحلیل محتوا به تأیید فرضیه خود نزدیک شود.

## ۱. پیشینه تحقیق

در باب نقش پیشگویی‌ها پیرامون پیروزی انقلاب و رهبری امام آثار مختلفی وجود دارد. اولین آثار

۱. پیام رهبری به مراسم حج سال ۱۳۸۷ قابل دریافت در آدرس اینترنتی <https://basirat.ir/fa/news/64530>

۲. سخنان رهبری در جمع اعضای دفتر و سپاه حفاظت ولی امر در سال ۱۳۸۸ قابل دریافت در آدرس اینترنتی: <https://hawzah.net/fa/Article/View/97520>

۳. خاطرات آیت‌الله شبیری از ۲۴ دی ۱۳۵۷.

خاطرات انقلابیون است، مخصوصاً کسانی که با حوزه‌های علمیه در ارتباط بوده‌اند. این دسته از آثار بیشتر روایان پیشگویی‌ها هستند. در بین این خاطرات برخی از حیث پرداختن به این‌گونه مسائل غنی هستند که ظاهراً به روحیات فردی خاطره‌گو بستگی دارد. معمولاً کسانی که تعلقات عرفانی و اخلاقی بیشتری دارند، به این‌گونه مسائل توجه بیشتری داشته‌اند. برای مثال، خاطرات شیخ علی عراقچی که در سال ۱۳۸۹ به وسیله مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام منتشر شده است، حاوی چند پیشگویی است. ایشان از شاگردان امام و علامه طباطبایی و همچنین از اساتید حوزه علمیه قم بود که علاوه بر تدریس دروس حوزوی جلسات اخلاقی نیز برگزار می‌نمود. عراقچی در خاطراتش اشاره می‌کند که از کودکی تحت تأثیر دایی اش که روحیات زاهدانه داشت، بوده است (عراقچی، ۱۳۸۹: ۱۹). در خاطره‌نویسی‌های محمد محمدی ری‌شهری نیز اشاراتی به پیشگویی‌ها هست (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۱: صفحات متعدد). از آنجایی که نویسندگان و روایان این خاطره‌ها از دل‌بستگان و منسوبان نظام جمهوری اسلامی هستند، به‌طور طبیعی این پیشگویی‌ها در تأیید نظام اسلامی به کار گرفته شده است. پیشگویی در این دسته از روایات عملاً نقشی ایدئولوژیک برعهده‌گرفته و در خدمت نظام سیاسی قرار می‌گیرد که در این باره بیشتر توضیح داده خواهد شد. در هر صورت این آثار از منابع تحقیق‌های علمی خواهند بود.

دسته دوم مقالاتی هستند که پیرامون پیشگویی‌ها منتشر شده است. یکی از این مقالات علمی «نقش پیشگویی‌ها در شکل‌گیری نحله‌های فکری و جنبش‌های اجتماعی» است که به نقش پیشگویی‌های پیامبر (ص) و امامان (ع) در باب آخرالزمان و ظهور حضرت مهدی (عج) بر جنبش‌های اجتماعی و فکری است که بعدها در عالم اسلام رخ دادند. این مقاله هرچند از نظر نوع ورود به مسئله، شباهت‌هایی با موضوع نوشتار حاضر دارد، ولی از لحاظ موضوع کاملاً از هم جدا هستند. موضوع مقاله حاضر پیرامون انقلاب و مسائل مؤثر بر آن است (صادقی، ۱۳۹۵: ۶۷).

از مقالات مطبوعاتی نوشته‌ای از مرحوم ابوالحسنی (منذر) است که مستقیماً درباره برخی پیشگویی‌ها درباره رهبری امام خمینی در انقلاب اسلامی است. نوشته ابوالحسنی شکل فهرست‌وار و کاملاً سویه‌های ارزشی دارد؛ بنابراین کار ابوالحسنی، هرچند به لحاظ ارزشی قابل ارائه است، ولی اثری علمی نیست و البته از ابتدا دنبال این هم نبوده که میزان تأثیر این پیشگویی‌ها بر انقلاب

را بسنجد، بلکه با ارائه پیشگویی‌ها درصدد اعلان این مطلب است که انقلاب با نظر عالم غیب و تأییدات خداوند و اهل بیت به پیروزی رسیده و حمایت از آن تکلیفی شرعی است. نوشته ابوالحسنی در دو شماره در خبرگزاری فارس انتشار یافته است.<sup>۱</sup>

## ۲. معنای پیشگویی

فرهنگ معین معنای لغت «پیشگویی» را مرادف با پیش بینی، غیب گویی و کهنات و «پیشگویی کردن» را خبر دادن امور پیش از وقوع غیب گویی کردن می‌داند؛ درحالی که «پیش بینی» شکل علمی و «پیشگویی» مبنای الهیاتی یا متافیزیکی دارد. در زبان عربی و ادبیات عرب، به خصوص در آیات و روایات، واژه «غیب» و کلمه «نبأ غیبی = خبرهای غیبی» از رایج ترین الفاظی هستند که در مفهوم «پیشگویی» به کار می‌روند. واژه «ملاحم» نیز از جمله واژه‌هایی است که در زبان عربی در مفهوم «پیشگویی‌ها» به کار رفته است. نوع افراد و شخصیت‌های علمی که در گذشته، در زمینه «پیشگویی‌ها» کتابی نگاشته‌اند، نام کتابشان را **الملاحم** نهاده‌اند.<sup>۲</sup> ملاحم‌نگاری یا پیشگویی حوادث مهم پیشینه‌ای به قدمت ادیان الهی دارد و در روایات اسلامی عنوان ملاحم و الفتن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. محدثان و مؤلفان مسلمان از قدیم به این دو عنوان توجه داشته و به صورت‌های مختلف به آن پرداخته‌اند. برخی ذیل کتاب‌های روایی خود باب یا فصلی را به یکی از این عناوین اختصاص دادند و برخی نیز کتاب‌های مستقلی در این زمینه تعریف نموده‌اند.

مؤلفان شیعه غالباً از عنوان «ملاحم» استفاده می‌کردند. در فهرست‌های نجاشی و شیخ طوسی نیز بیش از ۲۰ کتاب ملاحم نام برده شده که تنها در دو مورد تعبیر «الفتن» وجود دارد. به نظر می‌رسد عنوان فتنه در میان اهل سنت و عنوان ملاحم در میان مؤلفان شیعه خصوصیات داشته که در انتخاب نام کتاب به آن توجه کرده‌اند. این خصوصیت را می‌توان ناشی از اختلاف دیدگاه شیعه و اهل سنت درباره نظام حاکم دانست؛ زیرا بیشتر قیام‌های شیعیان که علیه دستگاه خلافت صورت پذیرفته از دیدگاه اهل سنت فتنه به شمار می‌آید (صادقی، ۱۳۸۶: ۱۴).

1. <https://www.farsnews.ir/amp/8805100956>

۲. <http://wikifeqh.ir>، پیش‌گویی قرآن

برخی از محققین نقش و تأثیر اخبار ملاحم و فتن را در شکل‌گیری فرقه‌ها و حرکت‌های اجتماعی غیرقابل انکار می‌دانند، اما در اندازه و میزان این تأثیرها بحث می‌کنند (صادقی، ۱۳۹۵: ۶۷). مصطفی صادقی در مقاله خود پیرامون تأثیر پیشگویی‌ها در پیروزی جنبش‌های اجتماعی به تأثیر پیشگویی‌های مبتنی بر ظهور حضرت مهدی (عج) و حوادث آخرالزمان در شکل‌گیری و پیروزی برخی نهضت‌های اجتماعی و قدرت یافتن نیروهای جدید از قبل این پیشگویی‌ها پرداخته است. برای مثال، پیروزی جنبش عباسیان با شعارهای مهدوی تا جایی که سفاح رسماً خود را مهدی نامید؛ یا به قدرت رسیدن مهدی فاطمی در مصر با ترویج و تطبیق گسترده نام او با آن دسته از روایاتی که در آن‌ها پیامبر خدا از ظهور خورشید از مغرب در آخرالزمان خبر داده بود (صادقی، ۱۳۹۵: ۶۷).

بزرگ‌ترین پیشگویی‌ها در عالم اسلام که با هویت مذهب شیعه گره خورده است مربوط به اخبار آخرالزمان و ظهور حضرت مهدی (عج) است. این پیشگویی‌ها مبتنی بر روایات و احادیث هستند و یا به وسیله کسانی که با ریاضت‌های جسمی و علوم محتجبه به قدرت‌های روحی دست پیدا کرده‌اند، انجام شده‌اند. در کتب مربوط به پیشگویی آخرالزمان مانند نوائب الدهور نوشته حسن میرجهانی به این دو دسته از پیشگویی‌ها توجه شده و نمونه‌هایی نیز ذکر شده است (میرجهانی، ۱۳۷۹: ۶۰-۱). از حیث دامنه تأثیر بر حرکت‌های اجتماعی و سیاسی، پیشگویی‌های مربوط به ظهور حضرت مهدی (عج) بالاترین درجه تأثیر را داشته که آخرین نمونه آن پیشگویی‌ها در مورد انقلاب اسلامی ایران و اتصال آن به قیام مهدی (عج) است.

### ۳. پیشگویی و علم غیب

پیشگویی‌های مربوط به آخرالزمان و ظهور حضرت مهدی (عج)، در واقع پیشگویی آینده هستند. از آنجایی که آینده و این‌که چه خواهد شد، از جنس غیب و علوم غیبی محسوب می‌شود، در اینجا لازم است به لحاظ عقلی و دینی امکان اتصال به غیب و اخبار مورد بررسی قرار گیرد.

در باب این‌که آیا امکان دسترسی به غیب فراهم هست یا نه مسلمانان به لحاظ نظری چند دسته‌اند. ابتدائاً همه نحلّه‌های اسلامی در این‌که غیب به طور مطلق در حیطه قدرت و دانش خداوند است، هم‌داستان هستند؛ اما در این‌که بعد از خداوند، انبیاء و اولیاء چقدر به غیب دسترسی دارند،

اختلاف است.

در بین علمای امامیه سه رأی کلی دربارهٔ دسترسی به غیب هست. عده‌ای از متکلمین امامی مانند شیخ مفید و پیروان او اجمالاً غیب‌دانی پیامبر<sup>(ص)</sup> و معصومین<sup>(ع)</sup> را پذیرفته‌اند، اما آن را مطلق نمی‌دانند؛ دستهٔ دوم اخباریان هستند که با تکیه بر روایات و بدون هیچ قید و شرطی معصومین را عالم بماکان و ما یکون و ما هو کائن می‌دانند؛ دستهٔ سوم گروهی از فلاسفه و عرفا هستند که برخلاف نظر کلامی شیخ مفید، علم و آگاهی امام و پیامبر<sup>(ص)</sup> را همانند علم خداوند می‌دانند و تنها تفاوت را در این می‌دانند که خداوند واجب‌الوجود است و علمش ذاتی است و ایشان ممکن‌الوجود هستند و علمشان غیرذاتی است. از نظر ایشان همان‌طور که علم خداوند احاطی است، علم معصوم هم که خلیفهٔ خداوند و انسان کامل است، تمام اوصاف مستخلف‌عنه در او تجلی می‌کند، همانند علم خداوند است؛ یعنی هر دو علم مطلق دارند (نادم، ۱۳۹۵: ۲۸۶).

یکی از جریان‌های غیرشیعی، معتزله است. در بین معتزلیان، اختلاف دیدگاه‌های فراوانی وجود دارد. اجمالاً از نگاه عبدالجبار معتزلی (از معتزلیان متأخر)، آگاهی از غیب ممکن است، چون اخبار غیبی قرآن و روایات نبوی گواهی بر آن می‌دهند. اضافه این‌که معتزله خود قرآن و وجه اعجاز آن را بیشتر به داشتن اخبار غیبی آن دانسته و گفته‌اند اطلاعات غیبی پیامبر<sup>(ص)</sup> همه از جانب خداوند و موهبت الهی است (نادم، ۱۳۹۵: ۲۸۶).

اما اشاعره با ورود هرگونه اندیشهٔ بشری و عقلی در دین مخالفت می‌ورزند. در بین اشاعره نیز در باب غیب و دسترسی به آن نظرات مختلفی هست. یکی از متکلمان بزرگ اشعری ابوحامد غزالی است که در عین حال صوفی است و رویکردی عرفانی به مسائل دارد. غزالی، کشف و شهود را یکی از طرق کسب معرفت می‌داند که در دسترسی به غیب بر عقل ترجیح دارد. عالم غیب پنهان است ولی راه دسترسی به آن بسته نیست و بین عالم ملک و ملکوت راهی هست. یکی از طرق دسترسی خواب دیدن است و این طریق نه برای پیامبر<sup>(ص)</sup> که برای غیر او نیز گشوده است؛ اما راه انبیاء راه خاص و کاملی است که وحی نام دارد. اولیاء درجه‌ای ناقص‌تر دارند که به آن الهام یا علم لدنی گفته می‌شود (نادم، ۱۳۹۵: ۲۸۶).

بنابراین نحله‌های اصلی کلامی در جهان اسلام دریافت‌های غیبی برای غیر نبی را به رسمیت

شناخته، ولی راه آن را منحصر به نبی می‌دانند؛ اما مطابق نگرش امامیه و صوفیه این دسترسی برای غیرنبی و اولیاء الهی نیز هست، هرچند برخی از ایشان عین مقام نبی را برای ولی قائل‌اند و برخی از طریق نبی.

در بحث از غیب و امکان دسترسی به آن با دیدگاه عقلی، دو دیدگاه کلی وجود دارد: درون دینی و برون دینی. دیدگاه درون دینی اعم از نگاه فیلسوفان، حکیمان و متکلمان مسلمان است؛ اما دیدگاه برون دینی از بحث این نوشتار خارج است. این دیدگاه از ابتدا با مفروضات این نوشتار در تعارض است؛ بنابراین بحث این نوشتار از نوع اول خواهد بود.

از بین جریان‌های عمده فلسفی در جهان اسلام، سه جریان فلسفی سینیایی، اشراقی و صدرایی مشهورترند. مطابق فلسفه سینیایی ادراک علوم غیبی مبتنی بر سیر تکاملی نفس است. نفس در این مکتب برای استکمال و کسب معرفت از نیروی عقل استفاده می‌کند که در نهایت سیر خود به مرحله عقل فعال می‌رسد و در این رسیدن فرقی بین پیامبر و غیر پیامبر نیست. در واقع از نظر ابن سینا کامل‌ترین نفس برخوردار از قدرت عقلی و ادراکی و کمال‌یافته، انبیاء و اولیاء هستند که از قوه حدس عالی بهره‌دارند و در کمترین فرصت می‌توانند با مبادی عالی ارتباط برقرار کنند و از حقایق و جزئیات عالم از گذشته و حال و آینده که نزد آن مبادی عالی موجود است، آگاه گردند (نادم، ۱۳۹۵: ۳۱۵).

در فلسفه اشراقی، بحث اشراق، شهود و نورانیت به بحث ابن سینا افزوده شده است. شیخ اشراق می‌گوید: آدمی با فراهم آوردن زمینه‌های اخلاقی به وسیله عمل خویش، از نورانیتی برخوردار می‌شود که قدرت این نور برتر از نفس کمال‌یافته در فلسفه ابن سینا می‌شود. در فلسفه اشراق سخن از شهود است که بر اثر قوت و قدرت نور حقایق مشهود می‌گردد. بدین ترتیب هر کس به اندازه‌ای که از نورانیت برخوردار شود، به همان اندازه می‌تواند علوم و معارف غیبی را بدون هیچ‌گونه واسطه‌ای مشاهده کند (نادم، ۱۳۹۵: ۳۱۶).

در حکمت متعالیه علاوه بر پذیرش آنچه در فلسفه‌های قبلی آمده، مطرح می‌شود که انسان با فراهم آوردن زمینه‌های سیر و سلوک و طی کردن مراحل کمال، از جمله انقطاع و جدا شدن از همه تعینات مادی، می‌تواند در نظام هستی در مرتبه‌ای قرار گیرد که بدون واسطه، گیرنده علوم و معارف و حقایق غیبی شود. ملاصدرا در مقام تبیین تحقق آگاهی از آنچه ورای عالم شهود قرار دارد، به بیان

بُعد معنوی انسان و توصیف آن پرداخته و می‌گوید:

روح آدمی چنان چه از بدن مادی فاصله بگیرد و خود را از گناه و آلودگی‌های شهوانی و لذائذ دنیوی و وسوسه‌های شیطانی و دیگر تعلقات پاک گرداند، می‌تواند به مرحله مشاهده ملکوت اعلا با نورانیت الهی نائل شود (نادم، ۱۳۹۵: ۳۱۷).

برای پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان از اخبار و مسائل ماورایی در مسائل سیاسی و اجتماعی کمک گرفت، از عبارت «تاریخ اختربینانه» کمک می‌گیریم. این عبارت بر ساخته دیمتری گوتاس است. گوتاس در کتاب مرجع خود به نام **تفکر یونانی**، فرهنگ عربی از آن استفاده کرده است: «تاریخ اختربینانه تفسیر تاریخ سلسله‌ها بر حسب ادواری با طول‌های متغیر زمان است که ستارگان و سیارات بر آن حاکم‌اند. کتاب **النهمطان ابوسهل** - نوبختی - دقیقاً تاریخی اختربینانه است. وی در این کتاب چنین می‌گوید:

مردم هر عصر و دوره‌ای تجارب تازه‌ای کسب می‌کنند و بر طبق حکم ستارگان و برج‌های دوازده‌گانه دانش برای آنان از نو آغاز شده است و این حکمی است که به فرمان خدای تعالی در اختیار زمان حاکم است.» پیام به فرمانروایان عباسی روشن است به فرمان خدا ستارگان حکم کرده‌اند - و مقصود از تاریخ اختربینانه ابوسهل همین است - که اکنون نوبت عباسیان است علوم را تجدید کنند به همان‌سان که قبلاً نوبت ساسانیان بود. انگیزه نهفته در پشت سر تاریخ اختربینانه بنابراین ایدئولوژی سیاسی است. تاریخ اختربینانه، یا اختربینی سیاسی برای عباسیان دوره اوایل مهم بود؛ چون دو کار حیاتی را انجام داد: کاری سیاسی از این حیث که حاکمیت دولت عباسی را معرفی کرد که دور آن هنوز در ابتدای راه بود، به طوری که ستارگان و در نهایت خدا فرمان داده بودند، با این پیام ضمنی به همه مخالفان بالقوه نظام عباسی که فعالیت سیاسی بر ضد این نظام بیهوده خواهد بود؛ و کاری ایدئولوژیکی از این حیث که این نظر را درباره دولت عباسی القا کرد که این دولت، در شاکله بزرگ اموری که ستارگان بر آن‌ها حاکم‌اند، یگانه دولت مشروع و جانشین شاهنشاهی‌های باستان در بین‌النهرین و ایران و بلافصل‌ترین جانشین ساسانیان است (گوتاس،



فارغ از مقایسه‌های ناروا که محل تحقیق است، تحلیل کلی گوتاس قابل توجه است. در حقیقت در پیشگویی نوعی تقدیرگرایی وجود دارد. گیرندگان پیام پیشگویی معمولاً در برابر نتایج آن خاضع اند و در بهترین حالت تلاش می‌کنند خود را با تصمیم که در ماورای اراده‌ی ایشان گرفته شده است، تطبیق بدهند. برای مثال، در برابر پیشگویی‌های آخرالزمان و عصر ظهور حضرت مهدی (عج) هیچ شیعه مؤمنی در پی مقابله بر نمی‌آید، بلکه بالعکس در برابر امر الهی تسلیم و هماهنگ خواهد بود.

#### ۴. تبیین کارکرد پیشگویی در نظام اسلامی ایران

یک دسته از پیشگویی‌ها درباره انقلاب، پیشگویی اتصال انقلاب اسلامی به نهضت حضرت مهدی (عج) است. این پیشگویی‌ها در قالب جریان‌های موعودگرا و هزاره‌گرا می‌گنجند. موعودگرایان همواره منتظر ظهور منجی موعود هستند و دلایل فراوانی برای این انتظار دارند. یکی از دلایل محوری، همانا سختی‌هایی است که به خاطر اقلیت بودن و ضعف و سرکوب برآمده از این اقلیت‌بودگی بر ایشان وارد می‌شود. ظهور منجی یعنی برطرف شدن درد و رنج. گویا موعودگرایان شیعی با تطبیق این انقلاب با وقایع و رخداد‌های پیش از ظهور علاقه دارند، این بار مثل دوران صفویه، قاجاریه و دوران‌های پیش از آن‌ها، اشتباه نکرده باشند و واقعاً دوران رنج و تقیه به پایان خود نزدیک شده باشد.<sup>۱</sup> برخی محققین تاریخ اسلام تأکید دارند که باید هنگام پژوهش خصوصاً تاریخ اسلامی و عموماً تاریخ شرق، مقدار اثرپذیری روح شرقی را از هر آنچه پیوند با پیشگویی و غیب‌گویی درباره آینده دارد، از نظر دور نداشت. خواه آن اثرپذیری اندک باشد یا بسیار (فلوتن، ۱۳۹۰: ۷۵). در باب پیشرفت و موفقیت یک دین جدید گفته‌اند عواملی وجود دارد که باعث می‌شود این دین جدید به راحتی راه خود را در قلوب مردم بگشاید، کاری که شمشیر هم نمی‌تواند به آسانی به انجام برساند. به طور کل، پیشرفت دین اسلام مبتنی بر عوامل چندی بود که برخی از آنان در ایران تشدید شده و به فراگیری سریع دین اسلام در منطقه یاری رسانده‌اند. این عوامل عبارت‌اند از: زمان مناسب بشارت و پیشگویی، اعتقاد به تأثیر ستارگان و خواص اعداد بر رویدادها، وضع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی

سرزمین‌های پیش از اسلام (عربستان، ایران و روم)، ایدئولوژی، نفوذ باورها در اذهان مردم، نقش ادیان سرکوب شده و نهایتاً تصوف (غفاری، ۱۳۸۳: ۱۲-۱۵). در سرزمین‌هایی همانند عربستان و ایران، از مدت‌ها قبل منتظر ظهور پیامبر<sup>(ص)</sup> بودند. به اعتقاد طبری، در سال‌های قبل از تولد پیامبر<sup>(ص)</sup> مردم منتظر ظهور پیامبری به نام «محمد» بودند و بیش از چهل کودک به دنیا آمد که نامشان را محمد گذاشتند. مطالب بالا هرچند درباره ظهور دین‌ها و مخصوصاً دین اسلام است ولی قابلیت تطبیق بر وضعیت انقلاب اسلامی را نیز دارند.

احمد صدری نیز در نقد نظریه اخیر دکتر سروش، آنگاه که می‌خواهد عوامل موفقیت پیامبر<sup>(ص)</sup> در ایجاد امت اسلامی را برشمارد، به سه عامل جامعه‌شناختی اشاره می‌کند:

توجه این موفقیت‌های خیره‌کننده، به گفته رودنسون، برای محقق غیرمسلمان دشوارتر از مسلمان باورمند است؛ زیرا وی نقشی برای اراده الهی و امدادهای غیبی قائل نیست. آنچه در بیست‌وسه سال پیامبری محمد<sup>(ص)</sup> رخ داد در تاریخ بی‌نظیر بود و علل آن را باید نه در روان‌اقتدارگرای پیامبر بلکه در سه امر جست‌وجو کرد: ۱. کاریزما و قدرت رهبری محمد؛ ۲. محتوای تکان‌دهنده وحی قرآنی؛ ۳. انتظار ظهور دینی جدید در میان اعراب. البته، نقش تصادفات و اتفاقات تاریخی در شبه‌جزیره و در فضای بین‌المللی وقت را نیز نباید از نظر دور داشت.<sup>۱</sup>

تأکید ما در اینجا نکته سوم است؛ یعنی انتظار ظهور دین جدید در میان اعراب، همان‌که در عبارات پیش‌گفته غفاری با عنوان پیشگویی و بشارت آمده است. به عبارتی وقتی مردم منتظر رویدادی باشند، پذیرش آن برای ایشان راحت‌تر می‌شود و آن رویداد برای نفوذ در قلوب مردم مشکل چندانی نخواهد داشت؛ هرچند دو مورد دیگری که دکتر صدری آورده است، برای بحث در علل پیروزی انقلاب به کار می‌آید.

۱. احمد صدری، «روانکاوی نبوی و فرضیه بادکنک‌وار تاریخ»، قابل دریافت در آدرس اینترنتی: <http://mashghenow.com/tag/احمد-صدری-عبدالکریم-سروش>

## ۵. پیشگویی‌ها و انقلاب اسلامی

بر اساس مطالب پیش‌گفته دربارهٔ پیروزی انقلاب اسلامی پیشگویی‌هایی رخ داده است. این پیشگویی‌ها و جوهی دارند. یکی از این وجوه رهبری امام خمینی است و چنان‌که خواهیم دید دربارهٔ رهبر بعدی هم اشاراتی هست. در این نوشتار چند پیشگویی را مشخص کرده و بعد از بررسی درستی اصل نقل و هم‌چنین وثاقت ناقلان، به تأثیر احتمالی آن بر روند پیروزی انقلاب پرداخته خواهد شد. همان‌طور که اشاره شد نکته‌ای مغفول در بررسی انقلاب اسلامی وجود دارد و آن وجود پیشگویی‌ها است؛ مخصوصاً این‌که پیشگویی‌ها به حدی برسد که نشود در نظر نگرفت و نیز راوایان آن‌ها کسانی باشند که نظراتشان برای جمع‌کثیری از مردم و روحانیون قابل‌اعتنا باشد. این پیشگویی‌ها چند دسته‌اند. عده‌ای بر پیروزی انقلاب به رهبری امام خمینی تأکید دارند؛ عده‌ای هم به وقایع پس از پیروزی می‌پردازند؛ سومین دسته از پیشگویی‌ها، پیشگویی‌هایی است که انقلاب اسلامی را به نهضت حضرت مهدی (عج) متصل می‌کنند.

### ۵-۱. پیشگویی اول: حسین قاضی طباطبایی و دیدن عکس امام روی اسکناس

پسر حسین قاضی نوشته است که مصطفی خمینی برای من نقل فرمود:

روزی مرحوم آیت‌الله سیدحسین قاضی در خلوت با پدرم نشست و مشغول صحبت‌های گوناگون بودند. دیدم مرحوم آقای قاضی یک قطعه اسکناس ظاهراً پنج ریالی که با عکس شاه بود از جیب خود درآورد و به مرحوم آقای خمینی نشان داد و گفت: من در آینده عکس شما را به جای این عکس روی اسکناس می‌بینم. مرحوم آقای خمینی به این‌گونه از گفتار آقای قاضی توجه خاصی می‌کردند، به تفکر فرورفت و فرمود این هم از این حرفاست! ازمانی که مطلب را مرحوم آقا مصطفی در بیت امام به من گفتند برایم سخنی بسیار گزاف آمده به شوخی از کنارش گذشتم (الوانساز خویی، ۱۳۹۳: ۴۰).

بررسی نقل:

این مطلب از کتاب شیدای گمنامی، زندگینامهٔ عرفانی و اخلاقی آیت‌الله سیدحسین قاضی

**طباطبایی** نقل شده است. نویسنده کتاب، محمد الوانساز خویی از طلاب حوزه علمیه قم است. در مقدمه کتاب که نوشته صادق قاضی، فرزند حسین قاضی طباطبایی است از نویسنده کتاب تجلیل شده و تأکید شده که به امر مهم ثبت خاطرات آقای قاضی توفیق یافته است؛ بنابراین می شود قبول کرد که از نظر خانواده آقای قاضی نویسنده کتاب موثق است. اما حسین قاضی کیست؟ حسین قاضی طباطبایی در خاندانی کهن از نوادگان عبدالوهاب تبریزی متولد شد. سرسلسله خاندان قاضی، میرزا محمدتقی قاضی طباطبایی (درگذشت ۱۲۲۰ یا ۱۲۲۲ قمری) است و نسب میرزاعلی قاضی، محمدحسین طباطبایی برادرش محمدحسن الهی طباطبایی و هم چنین شهید محمدعلی قاضی طباطبایی نیز به او می رسد. یکی از اعضای برجسته خاندان قاضی طباطبایی، حسین قاضی است که هم به لحاظ اخلاقی و هم از نظر علمی مورد تأیید و رجوع علمایی چون آیت الله بروجردی و آیت الله حجت بوده است تا جایی که در زمان آقای بروجردی از طرف ایشان به عنوان ممتحن طلاب معرفی شده بود. سیدحسین قاضی علاوه بر علوم رایج حوزوی، در عرفان، علوم غریبه، علم جفر و استخراج مشهور است و روایت های فراوانی از ایشان در ارتباط با این علوم ثبت شده است. در عرفان ایشان از شاگردان سید علی قاضی است و بعید نیست که علوم غریبه را نیز از ایشان آموخته باشد (شیخ، ۱۳۹۵: ۳۴۲).

درباره مراتب عرفانی و معنوی حسین قاضی در کتاب **شیدای گمنامی** به نقل از محمدعلی گرامی از مراجع تقلید فعلی، آمده است که در ماجرای نماز باران آیت الله خوانساری بعد از جمع شدن مردم و خوانده شدن نماز، بار اول باران نیامد: «... متأسفانه اجابت نشد و بارانی نیامد. آیت الله قاضی برای این مطلب سه روز در مسجد مقدس جمکران معتکف شده و برای بارش باران و نزول رحمت الهی و حفظ آبروی روحانیت دعا می کنند» صادق قاضی فرزند حسین قاضی در پاورقی کتاب نوشته است که بر اثر آن نماز و دعا باران فراوانی بارید (الوانساز خویی، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

بنابراین به لحاظ علمی و عملی، حسین قاضی جایگاه قابل قبولی دارد. درباره تاریخ نقل در روایت تاریخ دقیقی گفته نشده است؛ اما به لحاظ این که هنوز مصطفی خمینی در قید حیات است و حسین قاضی نیز در سال ۱۳۵۲ شمسی از دنیا رفته است، این ملاقات باید در سال های قبل از تبعید اتفاق افتاده باشد. مطلب دیگر جایگاه امام خمینی نزد حسین قاضی است. از این لحاظ که

آیا علاقه قلبی و فردی باعث این پیشگویی شده یا نه از روایات مختلف درباره شخصیت حسین قاضی این طور برمی آید که ایشان فردی زاهد و بی قید نسبت به امور دنیوی بوده تا جایی که حتی ملاحظه جایگاه علمی و حوزوی خویش را هم نمی کرده است. از طرف دیگر وی به مراجعی چون کاظم شریعتمداری نیز نزدیک بوده است. طبق اذعان فرزند ایشان و مطالعه اجمالی زندگی شان مشخص می شود که حسین قاضی از جریانات سیاسی فاصله می گرفته است و این برآمده از روحیه انزواگرایانه شان بوده است (الوانساز خویی، ۱۳۹۳: ۶۴).

اما حسین قاضی نزد امام خمینی جایگاه والایی دارد و امام برای ایشان مقامات معنوی قائل است. یک مورد که در همان کتاب از طرف حسن صانعی از نزدیکان امام نقل شده است آن است که، دختر امام بعد از عقد دچار عارضه صرع می گردد و امام برای درمان دنبال حسین قاضی می فرستد و با دعای ایشان مشکل صرع برای همیشه حل می شود.<sup>۱</sup> موارد دیگری نیز در آن کتاب نقل شده است (الوانساز خویی، ۱۳۹۳: ۱۴۴). این موارد جایگاه ویژه ای برای حسین قاضی در نظر امام و خانواده ایشان فراهم کرده است.

استخاره های قاضی نیز معروف است و بسیاری از علمای وقت قم نظیر آقایان شریعتمداری و طباطبایی صاحب المیزان برای استخاره به ایشان رجوع می کرده اند. آن چنان که مشهور است در استخاره ایشان بارها از مافی الضمیر استخاره کننده خبر می داد. شهرت حسین قاضی در استخاره تا جایی بوده که گفته اند هر کس در قم می خواست کار مهمی بکند، از ایشان استخاره می گرفت (عراقچی، ۱۳۸۹: ۱۸۷).

بنابراین ما در اینجا با فردی مواجه هستیم که به لحاظ علمی مورد تأیید مراجع تقلید وقت و به لحاظ اخلاقی و عرفانی در زمانه خود مورد رجوع و اعتماد بسیاری از علما و به تبع ایشان طلاب بوده است؛ بنابراین می شود پذیرفت که اگر چنین فردی از آینده خبر داده، در آن محیط فرهنگی قابل پذیرش بوده است.

۱. این مطلب را نگارنده از بیت آیت الله صانعی سؤال کرده و ایشان تأیید نمودند.

## ۲-۵. پیشگویی دوم: عبدالکریم کشمیری و پیشگویی پیروزی امام خمینی

در فایل تصویری از عبدالکریم کشمیری، از شاگردان میرزا علی قاضی، خواسته می‌شود پیشگویی‌ای که سال‌ها پیش در نجف انجام داده را دوباره تعریف بکند و ایشان چنین می‌گوید:

آقای خمینی فرمودند: من می‌میرم در نجف دفن می‌شوم. گفتم: نه شما می‌آید ایران آنجا می‌میری؛ دفن میشی در ایران. گفت: چی می‌گی؟! گفتم: همین که من می‌گم. (سؤال: پیش‌بینی تشکیل حکومت را حضرت‌عالی به ایشان فرمودید؟) گفتم: حکومت اسلام می‌شه. (سؤال: آقای مصطفی از حضرت‌عالی سؤال کرده بود که حکومت برپا بشه من بهره‌ای دارم؟ چه فرمودید؟) گفتم: نداری! نیستی!

### بررسی نقل:

در فیلم، غیر از عبدالکریم کشمیری، جعفر ناصری، خلیل مبشر کاشانی - از مراجع کنونی قم - و محمدعلی مجاهدی - دبیر شعر آیینی کشور - نیز حضور دارند. کشمیری در سال ۱۳۵۹ از نجف به قم آمد و از همان سال‌های ورود، بسیاری از حوزویان در جلسات ایشان شرکت کردند و نیز بسیاری از اهل عرفان، مسئولان سیاسی و نظامی با او رفاقت داشته و یا به منزلش رفت‌وآمد می‌کردند.<sup>۲</sup> عبدالکریم کشمیری در قم بیشتر به استخاره و ذکر مشهور بود و برخی شاگردانش همین مشهوریت را مانع از شناخت جایگاه واقعی عرفانی وی می‌دانند. از ایشان پیشگویی‌های دیگری نیز نقل شده است، از جمله پیشگویی شهادت سیدعلی اندرزگو در سال‌های قبل از انقلاب. در این پیشگویی آمده که اندرزگو در نجف به نزد امام خمینی رفت تا اجازه قیام مسلحانه بگیرد و امام او را به آقای کشمیری ارجاع داد (صدقت، ۱۳۹۰: ۴۵).

از عبدالکریم کشمیری نقلی که وثاقت او را تضعیف کند، به دست نیامد. البته راوی این ملاقات فقط خود ایشان هستند و کسی دیگر ظاهراً آن را روایت نکرده است. اما با توجه به این که عبدالکریم کشمیری در دوران انقلاب در ایران نبوده و سال ۵۹ به ایران آمده است، دامنه تأثیر ایشان بر روند

۱. سخنان آقای کشمیری، فایل تصویری.

۲. از جمله محمدحسین طباطبایی، حسن حسن زاده آملی، مصطفی خمینی، اسماعیل دولابی، جعفر مجتهدی، مبشر کاشانی، محسن رضایی و جعفر ناصری و ...

انقلاب با مورد قبل- سیدحسین قاضی - یکی نیست. البته این عدم حضور دلیل بر ناشناخته بودن ایشان نیست. پس از ورود به ایران ملاقات‌ها بیشتر شده‌اند که در نتیجه افراد زیادی توانسته‌اند ایشان را ببینند و بشناسند. احتمال دارد که روایت‌های مربوط به پیشگویی بعد از انقلاب در وسعت زیادتری پخش شده باشند. احتمال اخیر به لحاظ سیاسی قابل توجه است و تحت عنوان «اخترشناسی سیاسی» بدان پرداخته خواهد شد.

### ۵-۳. پیشگویی سوم: خواب نصرالله شاه‌آبادی

نصرالله شاه‌آبادی فرزند محمدعلی شاه‌آبادی استاد عرفان امام خمینی بود و به همین لحاظ خودش و برادرانش همواره مورد احترام امام بودند. این خواب در جاهای مختلفی نوشته شده است. روایت ما از کتاب **خاطرات آموزنده نوشته محمد محمدی ری‌شهری** است. وی نوشته که شاه‌آبادی این خواب را نزد مقام رهبری تعریف کرد:

قبل از تشریف امام به نجف خواب دیدم در خوزستان جنگ است، درخت‌های خرما همه سوخته و پسردایی من هم که حبیب‌الله نام داشت شهید شده. جنگ طولانی شد. امیر جنگ امام حسین<sup>(ع)</sup> بود. بالاخره پیروز شدیم گفتم بروم به آقا تبریک بگویم. منزلی بود شبیه منزل ما در نجف. از پله‌ها بالا رفتم، دیدم آقا نشسته‌اند. سلام عرض کردم و دستشان را بوسیدم و تبریک گفتم. حضرت تبسم کردند ولی ناراحت بودند. علت ناراحتی را پرسیدم فرمودند از دست این دو نفر ... پرسیدم مگر اینجا هستند؟ فرمودند بله در آن اتاق‌اند. رفتم دیدم دوزن آنجا نشسته‌اند. با عصبانیت گفتم خجالت نمی‌کشید... و در این اثنا بیدار شدم. یک روز که از ایران به نجف برگشته بودم امام فرستادند سراغ من. رفتم خدمتشان و نشستیم به صحبت کردن. آن خواب به یاد آمد و نقل کردم. به فکر فرورفتند. پرسیدم ماجرا چیست؟ گفتند می‌گویم به شرط این‌که تا من زنده هستم به کسی نگوئی. این قضایا واقع می‌شود و جنگ هم می‌شود و پیروزی هم با ما است. گفتم آخر چطور؟ فرمودند: این نقشه و تخطیطی است که پدرت [آیت‌الله‌العظمی شاه‌آبادی] برای ما کشیده

(محمدی ری شهری، ۱۳۹۱: ۱۱).

### بررسی نقل:

شاه‌آبادی به لحاظ حوزوی مجتهد محسوب می‌شد. هم‌چنین وی با وجود برخی فعالیت‌ها در ابتدای انقلاب - از جمله ریاست یکی از کمیته‌های انقلاب اسلامی - به‌مرور از سیاست فاصله گرفت و به همین خاطر فعالیت‌های سیاسی او آن‌قدر چشمگیر نیست. وی در سال ۱۳۹۴ به‌عنوان نماینده خبرگان از تهران انتخاب شد و تا پایان عمر در سال ۱۳۹۶ عضو این مجلس بود، اما در مقام عضو خبرگان نیز خبر چندانی از او منتشر نمی‌شد و در حد نامه و تذکر به مسئولان نظام پیرامون مسائلی بود که نسبت به آن‌ها حساسیت داشت، از جمله در سال‌های ابتدایی انتخاب حسن روحانی درباره نظام بانکداری ربوی نامه‌ای نوشت.<sup>۱</sup> مدتی پیش از آن نیز نامه‌ای به ابراهیم رئیسی نوشته و او را به سبب استعفا از سمت ریاست آستان قدس رضوی برای ورود به رقابت‌های ریاست جمهوری سرزنش کرده بود.<sup>۲</sup>

داستان این خواب را اسماعیل فردوسی‌پور نیز تعریف کرده است، منتها در روایت اخیر خبری از تأکید امام به کتمان نیست (فردوسی‌پور، ۱۳۸۷: ۷۰). درباره فردوسی‌پور در روایت چهارم سخن خواهیم گفت. نکته دیگر این‌که، در هیچ‌کدام از دو نقل خبری از زمان دقیق دیدن خواب نیست فقط شاه‌آبادی می‌گوید قبل از رفتن امام به نجف خواب را دیده بودم و بعدها در نجف یادم افتاد؛ بنابراین، ظاهراً قبل از آن به کسی نگفته است؛ بنابراین این خواب هم از جمله پیش‌گویی‌هایی است که بعدها در بین انقلابیون گفته‌شده و در تحکیم قلوب ایشان مؤثر افتاده است.

### ۴-۵. پیشگویی چهارم: مجتبی قزوینی و نتیجه انقلاب

راوی این پیشگویی اسماعیل فردوسی‌پور، از طلاب حوزه علمیه مشهد و از شاگردان مجتبی قزوینی از اعظام مکتب تفکیک است. وی دروس حوزه را در مشهد خواند و از آنجایی که از ابتدا با مجتبی قزوینی مأنوس بود با مرگ ایشان و نیافتن استادی در مشهد به نجف مهاجرت کرد و از آنجا با امام

1. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/12/21/1678756/>

2. <https://www.isna.ir/news/96012510274/>



همراه شد و در تمام دوران تبعید در نجف و پاریس با ایشان بود. داستان این پیشگویی را فردوسی‌پور در کتاب خاطرات خود بیان کرده و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام آن را منتشر ساخته است: موقعی که از شیخ مجتبی (قزوینی) درباره نتیجه انقلاب سؤال کرده بودند گفته بود: این انقلاب پیروز می‌شود و دولت سقوط می‌کند و شاه سقوط می‌کند منتهی بعد از سقوط شاه جنگی بین ایران و اعراب وارد خواهد شد و این جنگ طول خواهد کشید و در آن جنگ هم ایران پیروز خواهد شد (فردوسی‌پور، ۱۳۸۷: ۷۰).

**بررسی نقل:** مجتبی قزوینی، از عالمان حوزه خراسان است. وی اصالتاً اهل قزوین و از نزدیکان موسی زرابادی از عارفان شهر قزوین در سال‌های پایانی قاجار و ابتدای حکومت پهلوی است. از موسی زرابادی کرامات و خوارق عادات زیادی نقل شده است (بندرچی، شفیع‌ی‌ها، ۱۳۹۲: ۱۹۷). شاگردان زرابادی علاوه بر علوم حوزوی و بعضاً دانشگاهی به علوم غریبه مسلط بوده و این علوم را نیز از وی آموخته بودند. مجتبی قزوینی از سیاست دور نبود و در سال ۱۳۲۰ از جانب علمای خراسان برای تعیین نمایندگان این صنف در مجلس شورای ملی دوره هفدهم انتخاب شده است. بعد از شروع مبارزات امام خمینی، مجتبی قزوینی با ایشان همدلی نشان داده است. فردوسی‌پور در خاطراتش می‌گوید که بعد از آزادی امام از زندان در سال ۱۳۴۲ با شیخ مجتبی قزوینی به دیدار ایشان رفته‌اند و امام نیز در پاسخ متقابلاً از ایشان دیدار کرده است (فردوسی‌پور، ۱۳۸۷: ۶۵). البته مهدی طباطبایی شیرازی که ایشان نیز از طلاب حوزه علمیه مشهد و از انقلابیون قدیمی است در خاطراتش نکته‌ای درباره رفتن شیخ مجتبی قزوینی به قم دارد. ایشان دلیل اصلی رفتن مجتبی قزوینی به قم را، مطمئن شدنش از این مطلب می‌داند که امام فلسفه را به علوم دینی ترجیح نمی‌دهد: «حساسیت آشیک مجتبی بیشتر روی فلسفه و فقاہت امام بود نه روی نهضت» (طباطبایی شیرازی، ۱۳۹۲: ۲۴۹).

باری بسیاری از کسانی که نزد مجتبی قزوینی شاگردی کرده و ایشان را از نزدیک می‌شناخته‌اند، علاوه بر وجاهت علمی بر سلامت نفس و صفای باطن او تأکید دارند. از جمله ایشان محمدرضا حکیمی، علی حکیمی، مقام رهبری، واعظ زاده خراسانی، ابوالقاسم خزعلی، عباس واعظ طبسی، علی سیستانی و جعفر سیدان را می‌توانیم نام ببریم. مخالفان مکتب تفکیک بر جنبه‌های ضد فلسفی

ایشان تأکید می‌کنند، ولی هیچ‌کدام وثاقت او را نفی نمی‌کنند.

**زمان پیشگویی:** در خاطرات فردوسی پور بعد از نقل این پیشگویی آمده است که امام از قبل از طریق نصرالله شاه‌آبادی از این قضایا خبر داشت و هم‌چنین سن مجتبی قزوینی را نزدیک به هفتادسال گفته است (فردوسی پور، ۱۳۸۷: ۷۰). از آنجایی که مجتبی قزوینی در فروردین سال ۱۳۴۶ شمسی از دنیا رفته است و در هنگام مرگ ۶۶ سال سن داشته است، پس این پیشگویی احتمالاً در سال‌های آخر عمر ایشان انجام شده است. هم‌چنین مجتبی قزوینی به علوم غریبه مسلط بود و شاید پیشگویی فوق‌الذکر با این مطلب بی‌ارتباط نباشد (نصیری سوادکوهی، ۱۳۹۵: ۵۶).

**دامنه تأثیر پیشگویی:** پیش از این به برخی شاگردان مجتبی قزوینی اشاره کردیم. برخی از این اسامی، جدای از این‌که بعدها در نظام اسلامی مقام‌های بالایی را عهده‌دار شدند، در سال‌های دههٔ چهل از انقلابیون محوری محسوب می‌شدند؛ بنابراین دامنهٔ تأثیر قزوینی از حلقهٔ شاگردان فراتر رفته و به تمام ایران گسترش می‌یابد.

## ۵-۵. پیشگویی پنجم: سیدعلی قاضی و پیشگویی آیندهٔ سیاسی امام

پیشگویی پنجم راویان مختلفی دارد و اکثرشان به عباس قوچانی می‌رسند. ایشان از علمای نجف، شاگرد و وصی میرزا علی قاضی بودند. در اینجا روایت اسماعیل فردوسی‌پور را آورده‌ایم ولی به بقیه نیز اشاره خواهیم کرد:

یکی از بزرگانی که او هم جزء او تاد بود نقل می‌کرد: در نجف یک استاد اخلاقی منحصر به فرد است. امام در سن جوانی به حج و بعد از سفر حج به عتبات عالیات مشرف می‌شوند. در نجف، منزل آشیخ نصرالله خلخالی اقامت می‌کنند. در آنجا یک روز امام به درس اخلاق این عالم می‌روند. آنجا استاد اخلاق می‌نشیند روی کرسی درس می‌گوید: بسم الله الرحمن الرحیم، از تاریخ ایران می‌گوید که در ایران شخصی به نام رضاخان مسلط خواهد شد و ظلم خواهد کرد و بعد پسرش می‌آید بعد هم یک سیدی قیام می‌کند و جریانات انقلاب را مفصل نقل می‌کند و آن محمدرضا پسر پهلوی را شکست می‌دهد و او هم فرار می‌کند و

نظام شاهنشاهی به وسیله او سقوط می‌کند؛ تمام قضایا را می‌گوید. شاگردها خیلی هاج و واج می‌شوند که این آقا خواب است، بیدار است چه می‌گوید. درس که تمام می‌شود می‌گویند آقا شما این حرف‌هایی که امروز زدید خواب بودید، بیدار بودید، چه چیزهایی بود این‌ها که می‌گفتید. ایشان می‌گویند من امروز درس را برای یک نفر گفتم و آن یک نفر درس را گرفت و رفت؛ که بعد از درس هم امام بلند می‌شوند و عبا به سر می‌کشند و به منزل مرحوم حاج شیخ نصرالله خلخالی می‌آیند (فردوسی‌پور، ۱۳۸۷: ۷۰).

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام همین روایت را به نقل از محمود قوچانی فرزند عباس قوچانی آورده است. محمود قوچانی گفته که بعدها در نجف به محضر امام رسیدیم و پدرم از ایشان سؤال کرد که یادتان هست به جلسه آقای قاضی آمده بودید؟ امام تأیید کرد. بعد پدرم درباره صحبت‌های ردوبدل شده پرسید و گفت حرف‌های آقای قاضی یادتان هست؟ امام گفت یادم نمی‌آید! سایت روزنامه قدس با تاریخ پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۳ این روایت را از قول حجت الاسلام والمسلمین طیار و ایشان نیز از عباس قوچانی نقل کرده است.<sup>۲</sup>

محمد ناصری دولت‌آبادی از علمای اصفهان همین پیشگویی را مستقیماً از قول شیخ عباس قوچانی می‌گوید:

سر کلاس اخلاق آقای قاضی بودیم که سید جوانی وارد شد و با آمدن او آقای قاضی وسط درس بلند شد و به او احترام کرد. بعد از رفتن سید از دلیل احترام پرسیدیم گفت ایشان از علمای بزرگ قم است و قیام می‌کند علیه ظلم قیامی که هیچ‌کس نکرده است و بعد پیروز می‌شود و سکه‌ها به نامش می‌خورد و بعد از ایشان و بعد از نیابت ایشان، امام زمان ظهور می‌کند.<sup>۳</sup>

1. [http://www.imam-khomeini.ir/fa/c13\\_31636/](http://www.imam-khomeini.ir/fa/c13_31636/)

2. <http://www.qudsonline.ir/news/263196/>

۳. این سخنرانی در تاریخ ۱۳/۳/۹۷ از شبکه قرآن پخش شده است و فیلم آن در این صفحه اینستاگرام هم موجود است:

[https://www.instagram.com/p/CQ62GslNED3/?utm\\_medium=share\\_sheet](https://www.instagram.com/p/CQ62GslNED3/?utm_medium=share_sheet)

**بررسی نقل‌ها:** به لحاظ تاریخی این پیشگویی یکی از قدیم‌ترین پیشگویی‌ها و مطابق روایت فردوسی‌پور مربوط به دوران جوانی امام خمینی است. عباس هاتف قوچانی در سال ۱۲۹۲ شمسی در قوچان به دنیا آمده است. طبق نقل فرزند میرزاعلی قاضی، عباس قوچانی در ده سال آخر عمر میرزاعلی قاضی ملازم ایشان بوده و بعد از فوت وصایت او را بر عهده داشته است؛ بنابراین، می‌شود نقل ایشان از آقای قاضی را پذیرفت. همچنین، روایت‌ها تقریباً شبیه به هم‌اند، به جز روایت محمد ناصری دولت‌آبادی در باب نیابت امام خمینی و اتصال نهضت امام به انقلاب مهدی (عج).

در باب این‌که پیشگویی آقای قاضی در آن زمان چه تأثیری در بین نیروهای انقلابی داشته است به راحتی نمی‌شود سخن گفت؛ زیرا ایشان آن زمان حلقه‌ای از شاگردان را به دور خود داشت که در آن روزگار مشهور نبودند، اما بعدها هرکدام جایگاهی بزرگ به دست آوردند؛ نام‌هایی چون محسن حکیم، محمدحسین طباطبایی، ابوالقاسم خویی، جمال گلپایگانی، محمدتقی بهجت، عبدالاعلی سبزواری، علی اکبر مرندی و ... بسیاری از ایشان زمانی که امام به عراق تبعید شد، هر یک در عراق صاحب کرسی‌های تدریس بوده و یا به شهرها و کشورهای دیگر رفته بودند و شاگردانی نیز داشتند که هرکدام احتمالاً به نقطه‌ای رفته بودند. بدین ترتیب با وجود این‌که پیشگویی اخیر از طریق عباس قوچانی است، اما احتمالاً دیگران نیز آن را شنیده و به جا آورده باشند. از جمله علی اکبر مرندی که بعد از بازگشت به ایران و از سال ۱۳۴۲ با صدور بیانیه‌های مختلف از امام خمینی دفاع کرده و او را دارای مراتب بالای عرفانی می‌دانست. ایشان در ورود انقلاب به شهر مرنند و انقلابی کردن مردم آن نقش به سزایی داشت (حسن‌زاده، ۱۳۷۹: ۴۷).

با این‌که احتمالاً نام میرزاعلی قاضی در ایران بعد از انقلاب بیشتر برده شده است، اما تا حدودی می‌شود پذیرفت به لحاظ معنوی، نفوذ ایشان از همان زمان که شاگردانش به اطراف پخش می‌شدند، گسترش یافته است؛ اما در دوران پس از انقلاب، نقل این پیشگویی مانند پیشگویی‌های قبل در تحکیم مشروعیت نظام می‌توانسته تأثیرگذار باشد.

پیشگویی‌های گفته شده، به‌عنوان نمونه آورده شد و البته تعدادشان بیش از این‌هاست؛ اما به طور اجمالی بر محور مورد نظر انجام شدند؛ یعنی پیروزی انقلاب با رهبری امام. همان‌طور که اشاره شد نقل پیشگویی‌ها بعد از انقلاب هم ادامه داشته است.

## نتیجه‌گیری

در نهایت باید به این نکته پردازیم که چرا اکنون، یعنی ده‌ها سال پس از پیروزی انقلاب، هنوز در سخنرانی‌ها و خاطرات زوایای جدیدی از این پیشگویی‌ها افشا می‌شود. به طور مثال، می‌توان به سخنرانی آیت‌الله ناصری اشاره نمود که بر اساس آن، از سال‌ها پیش معلوم و مقدر بوده که انقلاب پیروز شود. به عبارتی پرسش پژوهش می‌تواند این طور طرح شود: دلیل تأکید همیشگی بر جنبه‌های ماورائی انقلاب چیست؟ به خصوص این نکته که انقلاب نهایتاً به انقلاب مهدی (عج) متصل خواهد شد؟ ظاهراً پیشگویی‌های مبنی بر پیروزی انقلاب و امام، با این فرض که از جانب اشخاص معتبری صادر شده است، نیز با همین منطق ترویج می‌شوند و لااقل سه نتیجه در پی دارند: اولاً پیروزی انقلاب اسلامی با تأیید نیروهای غیبی ممکن شد؛ ثانیاً انقلاب اسلامی از ابتدا در مسیر صحیح قرار داشته و دارد؛ ثالثاً تضعیف انقلاب به معنای مقابله با امر مقدر الهی است.

## کتابنامه

۱. الوانساز خوبی، محمد. (۱۳۹۳) شیدای گمنامی، زندگی‌نامه عرفانی و اخلاقی آیت‌الله سید حسین فاضلی تبریزی (برادرزاده آیت‌الله حاج میرزا علی آقا قاضی طباطبایی)، قم: انتشارات شکوری.
۲. بندرچی، محمدرضا و سید حسین شفیعی‌ها. (۱۳۹۲) سیمرخ قاف عشق، همایش بزرگداشت حضرت آقا سید موسی زرآبادی، قزوین: انتشارات سایه‌گستر.
۳. حسن‌زاده، صادق. (۱۳۷۹) عارف ناشناخته، شرح حال آیت‌الله مرندی، قم: انتشارات آل علی.
۴. شفیعی‌دارابی، سید محمدحسین. (۱۳۷۱) «نگاهی به پیشگویی‌های قرآن»، فصل‌نامه معرفت، شماره ۳، صص ۲۷-۳۵.
۵. شیخ، محمود. (۱۳۹۵) مکتب اخلاقی عرفانی نجف، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
۶. صادقی، مصطفی؛ ملاحم ابن منادی و ملحمه دانیال. (۱۳۸۶) نشریه مشرق موعود، سال اول،

- تابستان ۱۳۸۶، شماره ۲، صص ۱۳-۲۲.
۷. صادقی، مصطفی. (تابستان ۱۳۹۵)، «نقش پیشگویی‌ها در شکل‌گیری نحله‌های فکری و جنبش‌های اجتماعی»، مشرق موعود، شماره ۳۸، صص ۶۳-۸۰.
۸. صداقت، علی‌اکبر؛ مؤده دلدار. (۱۳۹۰) پنجمین دفتر ناگفته‌هایی از احوالات و شرح شیدایی و شیوه سلوکی عارف بالله عالم ربانی، آیه الحق سید عبدالکریم کشمیری، قم: انتشارات بکاء.
۹. عراقچی، علی. (۱۳۸۹) پرتو آفتاب (خاطرات حضرت آیت‌الله حاج شیخ علی عراقچی)، تدوین عبدالرحیم ابادری، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۱۰. غفاری، اصلان. (۱۳۸۳) پذیرش اسلام در ایران، تهران: نشر پژوه.
۱۱. فردوسی‌پور، اسماعیل. (۱۳۸۷) همگام با خورشید: از ایران تا ایران، مشهد: مجتمع فرهنگی اجتماعی امام خمینی.
۱۲. فلوتن، خرلوف فان. (۱۳۹۰) استیلای اعراب، شیعه و مهدویت در عهد بنی‌امیه، ترجمه پرویز ادکایی، قم: کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی.
۱۳. گوتاس، دیمیتری. (۱۳۸۱) تفکر یونانی، فرهنگ عربی، ترجمه سعید حنایی کاشانی، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۴. محمدی‌ری‌شهری، محمد. (۱۳۹۱) خاطره‌های آموزنده، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر.
۱۵. \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۸) زمزم عرفان، چاپ سیزدهم، قم: دارالحديث.
۱۶. \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۶) کیمیای محبت (یادنامه مرحوم شیخ رجبعلی خیاط)، قم: دارالحديث.
۱۷. میرجهانی، سیدحسن. (۱۳۷۹) نوائب الدهور فی علائم الظهور، چاپ سوم، تهران: انتشارات کتابخانه صدر.
۱۸. نادم، محمدحسن. (۱۳۹۵) علم غیب از نگاه عقل و وحی، انتشارات دانشگاه ادیان.

۱۹. نصیری سوادکوهی، فتوت. (۱۳۹۵) علوم اسراری، قزوین: نشر سایه گستر.

### منابع اینترنتی

20. [https://www.instagram.com/p/CQ62GsINED3/?utm\\_medium=share\\_sheet](https://www.instagram.com/p/CQ62GsINED3/?utm_medium=share_sheet)
21. [http://www.imam-khomeini.ir/fa/c13\\_31636/](http://www.imam-khomeini.ir/fa/c13_31636/)
22. <http://www.qudsonline.ir/news/263196/>
23. <https://www.isna.ir/news/96012510274/>
24. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/12/21/1678756/>
25. <http://mashghenow.com/tag/احمد-صدری-عبدالکریم-سروش/>
26. <https://basirat.ir/fa/news/64530/>
27. <https://hawzah.net/fa/Article/View/97520/>